

نگاهی به نمایش " پای دیوار بزرگ شهر" به کارگردانی حسن معجونی به دار آویختن هوسوالی

معجونی در این اثر با اشاره‌های کوتاه و گذرا و ایجاز بی‌نظیر و با نقطه‌گذاری‌های ظریفی که دریافت آن متکی به درایت، تیزهوشی و دقت بیننده است، اثری خلق می‌کند شایسته فضای امروز و تئاتر حرفه‌ای در ایران. معجونی با صحنه‌پردازی هوشمندانه‌ای که تنها متکی به نور و حرکت چند طناب آویخته است و نقش‌آفرینی درخشان شب‌نم طلوعی که بی‌پروا از فضای سیاه و دراماتیک حاکم بر صحنه به نوعی پرداخت مینی مالیستی گریز می‌زند و باز می‌گردد و با دقت در طراحی و چیدمان تجریدی میزانشن که با حذف تمامی عناصر نامربوط به روند کار، با پنهان کردن ناشناخته‌ها تاثیرگذاری فضای درون قلعه را چند برابر کرده است؛ همگی نشانه‌آشنایی کارگردان با اصول تئاتر مدرن است.

مازیار زند

دوشنبه 6 آبان ماه 1381 . 28 Oct 2002

نگاهی به نمایش " پای دیوار بزرگ شهر "
تنهایی انسان‌های مظلوم

معجونی با صحنه‌پردازی هوشمندانه‌ای که تنها متکی به نور و حرکت چند طناب آویخته است و نقش‌آفرینی درخشان شب‌نم طلوعی که بی‌پروا از فضای سیاه و دراماتیک حاکم بر صحنه به نوعی پرداخت مینی مالیستی گریز می‌زند و باز می‌گردد و با دقت در طراحی و چیدمان تجریدی میزانشن که با حذف تمامی عناصر نامربوط به روند کار، با پنهان کردن ناشناخته‌ها تاثیرگذاری فضای درون قلعه را چند برابر کرده است؛ همگی نشانه‌آشنایی کارگردان با اصول تئاتر مدرن است. در مدت اجرا بازیگران با ورود به صحنه از سنگینی فضا می‌کاهند، می‌رقصند، می‌خندند و فاصله خود را با تماشاگر کمتر و کمتر می‌کنند.

مازیار زند

دوشنبه 6 آبان ماه 1381 . 28 Oct 2002

تهران ، ضمیمه هفتگی همشهری، تماشاخانه

نگاهی به نمایش " پای دیوار بزرگ شهر " به کارگردانی حسن معجونی یک زندگی دو دیوار بلند

طراحی دکور نمایش به شکل افقی - فضایی که تماشاگر آن را به طور واضح می بیند - بسیار محدود است. این فضا در یک نظر کلی تنگناهای موجود برای شخصیت ها را متصور می شود. بازیگران مجبورند در فضایی که دیوار دو سوی آنرا پوشانده چنان بند بازانی حرکت کنند. هر گونه لغزش موجب سقوط آنان خواهد شد. طی سیر روایی نمایش و آنچنان که داستان به پیش می رود نقش طراحی این چنین دکور بیش از پیش آشکار می - شود و با روح و نگاه درونی اثر نیز در هم می آمیزد. فانشین تین و هوسوالی با کوچکترین اشتباه جان خود را از دست می دهند. آنان باید بسیار حساب شده و دقیق سخن بگویند و حرکت کنند.

این نگاه در تقابل کلی با فضایی قرار می گیرد که امپراطور و سربازان در آن قرار دارند - فضایی که تماشاگر آن را نمی بیند - صدایی که از دور شنیده می شود چنان ندایی ماوراطی بر کلیه فضای متصور شده توسط کارگردان طنین می افکند و چوبی بسیار حساب شده از آن فضا بیرون آمده زندگی افراد را به سمت های گوناگون هدایت می نماید. پس از تصویر این شمای کلی که در لانگشات ارایه شده معجونی اندک اندک به بازیگران نزدیک می شود و زندگی آنها را در کلوزآپ تصویر می کند. جنس بازی بازیگران نیز در این راستا اندک اندک تغییر می کند.

بازی برون گرایی ابتدایی آنها گام به گام درونی تر می شود و با ایجاد سریع یک تغییر ریتم ذهن تماشاگر بیشتر درگیر لایه زیرین اثر می شود. این تناقضات دراماتیک را می توان در نکات دیگر نمایش نیز جستجو نمود. دو افسری که چنان عروسکان خیمه شب بازی از فضای تاریک به صحنه روشن قدم می نهند بازی کاملاً برون گرا دارند. حرکت آنان چنان ورودشان حرکات عروسکانی بی اختیار را تداعی می کند. چنان عروسکی که در پایان نصیب فانشین تین می شود و او را به جای شوهر به منزل می برد.

نورپردازی تخت و عدم تغییر صحنه ها در پیچش های قصه عرصه را برای کارگردان سخت تر می نماید. زیرا با کوچکترین اشتباهی در این راستا نه تنها مخاطب همذات پنداری خود را از دست می دهد بلکه موجبات ملالت او نیز پدید می آید. معجونی توانسته از این خطر برهد و تا انتها تماشاگر را با خود همراه نماید.

چنانکه در قبل نیز اشاره کردیم فضا و نور صحنه بسیار تخت است. این مسئله را می‌توان به سترون بودن فضا تغییر نمود. فضایی ثابت که چنان صحنه محدود زندگی شخصیت‌ها را تحت نفوذ خویش گرفته است. نوعی سیاهی فضای زندگی زن و شوهرش را در تناقض با این فضای روشن قرار می‌دهد و حس دراماتیک اثر را نیز تقویت می‌کند.

رامتین شهبازی

روزنامه حیات نو، سه‌شنبه 7 آبان ماه 1381، سال سوم، شماره 749

گزارش صحنه " پای دیوار بزرگ شهر " دیوار بزرگ بازی آدمها بالا و پایین

معجونی در این طراحی صحنه و میزانشن‌ها موفق عمل می‌کند. او میزانشن‌ها را به جای طولی و عرضی به طولی عمودی تقسیم کرده است که همین عنصر باعث می‌شود تماشاگر بدون دیدم دیواری بر صحنه آن را حس کند. همین‌طور نشستن تماشاگر روبروی یکدیگر بر این تاثیر صحنه می‌گذارد. اما بازیگرها نیز در این نمایش بخوبی ظاهر می‌شوند. حرکت آنها در راستای متن است و نگاه کارگردان. از آنجا که بازیها در فاصله نزدیک با تماشاگر اتفاق می‌افتد آنها از اغراق‌های بیجا پرهیز می‌کنند و بخوبی در نقش‌ها جا می‌افتند.

روزنامه اعتماد، سه‌شنبه 19 شهریورماه 1381، سال اول، شماره 76